

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.



گزینه‌های ترامپ در صورت حمله مجدد اسرائیل به ایران

احتمال دارد که اسرائیل تا پیش از ماه دسامبر (آذرماه) و حتی زودتر از آن تا پیش از پایان ماه اوت (اوایل شهریور) جنگی دیگر علیه ایران به راه بیندازد. ایران چنین اقدامی را پیش‌بینی کرده‌است و سیگنال‌هایی مبنی بر تغییر راهبرد نسبت به جنگ قبلی فرستاده‌است. اگر دور بعدی جنگ آغاز شود، احتمالاً این بار ایران به جای حملات تدریجی موشکی، حمله فاطمی انجام خواهد داد تا نشان دهد که تحت تأثیر سلطه نظامی اسرائیل قرار نمی‌گیرد. در نتیجه پیش‌بینی می‌شود که جنگ بعدی خونین‌تر باشد. اگر دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا تسلیم فشار اسرائیل شود و به نبرد بپیوندد، آنگاه آمریکا با جنگی تمام‌عیار با ایران مواجه خواهد شد که احتمالاً بسیاری چالش‌برانگیزتر از جنگ عراق است. جنگ ماه ژوئن اسرائیل علیه ایران، فقط با هدف حذف برنامه هسته‌ای ایران نبود. هدف اصلی از جنگ تحول در توازن قوای خاورمیانه بود. برای بیش از دو دهه اسرائیل آمریکا را تحت فشار قرار داده بود که علیه ایران وارد عمل شود و با تضعیف ایران توازن را به نفع اسرائیل بازگرداند؛ کاری که اسرائیل به تنهایی از پس آن بر نمی‌آمد. جنگ ماه ژوئن اسرائیل علاوه بر زیرساخت‌های هسته‌ای ایران، سه هدف اصلی داشت: کشیدن آمریکا به نبرد نظامی با ایران، فلج کردن نظام ایران و تبدیل کردن ایران به سوریه یا لبنانی دیگر که اسرائیل بتواند با مصونیت آن را بمباران کند. از این اهداف فقط یکی محقق شد: دخالت محدود ترامپ. در بهترین حالت می‌توان گفت که اسرائیل از حملات ژوئن به یک پیروزی جزئی دست یافت. نتیجه مطلوب اسرائیل دخالت تمام‌عیار آمریکا در هدف قرار دادن نیروهای متعارف و زیرساخت‌های اقتصادی ایران بود. اما ترامپ هر چند به اقدام قاطع تمایل داشت، اما از جنگ تمام‌عیار نیز هراس داشت. اجتناب ترامپ از فراتر رفتن از بمباران محدود، دلیل اصلی توافق اسرائیل با آتش‌بس بود. اسرائیل آسیب‌های جدی دید و اثرگذاری توان موشکی ایران نسبت به پدافند اسرائیل بهبود یافت. اگر ترامپ حاضر به مداخله ادامه‌دار می‌شد، اسرائیل به جنگ ادامه می‌داد، اما زمانی که تل‌آویو متوجه شد که مداخله ترامپ صرفاً یک مرتبه‌ای است، محاسباتش عوض شد. اسرائیل توانست آمریکا را وارد جنگ کند، اما نتوانست آن را در جنگ نگه دارد. دو هدف دیگر اسرائیل به وضوح با شکست مواجه شد. به‌رغم توفیق‌های اطلاعاتی از جمله کشتن ۳۰ فرمانده ارشد و ۱۹ دانشمند هسته‌ای، این اقدام‌ها فقط برای مدت کوتاهی نظام فرماندهی و نظارت ایران را مختل کرد. ایران فوراً فرماندهان را جایگزین کرد و موشکیان سنگینی را انجام داد که نشان از تاب‌آوری این کشور داشت. امید اسرائیل به اینکه حملات باعث رعب و وحشت شود و به سرنگونی نظام دامن بزند هم شکست خورد. تلاش‌های موساد برای تشویق مقام‌ها به تبری از نظام بی‌ثمر بود و یکپارچگی نظام حفظ شد. برخلاف تصور اسرائیل، اعتراض‌های گسترده در ایران راه نیفتاد و بر عکس موجی از ملی‌گرایی در میان ایرانیان شکل گرفت. در عین حال اسرائیل نتوانست ایران را به سوریه‌ای دیگر تبدیل کند که بتواند بدون نیاز به حمایت آمریکا به حملاتش به آن ادامه دهد. هر چند اسرائیل بر آسمان ایران مسلط شد، اما استمرار حملات موشکی ایران برای اسرائیل غیرقابل تحمل بود.

با توجه به این نتایج، احتمال اقدام نظامی مجدد اسرائیل وجود دارد. مقام‌های اسرائیل اعلام کرده‌اند که حملات ژوئن تنها فاز نخست بود. اینکه ایران در حال بازسازی توان نظامی خود است، عاملی است که اسرائیل را تشویق می‌کند که زودتر حمله مجدد را سامان دهد. تقویم سیاسی و به‌ویژه نزدیک شدن به انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره آمریکا، احتمال حمله در ماه‌های آینده را افزایش داده‌است. ایران قصد دارد با افزایش شدید هزینه‌های چنین حمله‌ای، بازدارندگی ایجاد کند. هدف ایران حمله سریع و قاطع از همان لحظه اول است. به اعتقاد آنها هر اقدام دیگری باعث از دست‌رفتن توان موشکی و دفع‌وای ماندن ایران می‌شود. نقش ترامپ در جنگ بعدی تعیین‌کننده است. ترامپ علاقه‌ای به ورود به یک جنگ طولانی ندارد، اما با چراغ سبز به اسرائیل برای دور نخست جنگ، ترامپ در دام اسرائیل افتاد. مداخله محدود دیگر گزینه روی میز نیست. ترامپ یا باید کاملاً وارد جنگ شود، یا بیرون بماند و گزینه دوم فایزمنند مقاومت قاطع در مقابل فشار اسرائیل است؛ امری که تاکنون از ترامپ ندیده‌ایم.



دالان وحشت یا کریدور صلح؟

بررسی آثار ساخت «مسیر ترامپ برای صلح و رفاه بین‌المللی» در خاک ارمنستان بر ایران

ترکیه و ارمنستان محصور است، متصل کند.

امضای اسناد طرح صلح جمهوری آذربایجان و ارمنستان در واشنگتن با واکنش‌های متعددی در ایران مواجه شد. علی‌اکبر ولایتی، مشاور رهبری در امور بین‌الملل، به‌صورت تلویحی طرف‌های خارجی را به استفاده از زور تهدید کرد و گفت: «معادلات و مناسبات این منطقه صرفاً محدود به دو کشور آذربایجان و ارمنستان نیست، بلکه تغییر ژئوپلیتیکی در منطقه مرزهای ایران را نیز جابه‌جایی کند، بنابراین ما حق داریم که از منافع خود به‌صورت کاملاً قدرتمندانه دفاع کنیم.» در برابر وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، محتاطانه از گام برداشتن به سمت صلح استقبال کرد، اما نسبت به حضور طرف‌های خارجی در منطقه ابراز نگرانی کرد. در بیانیه وزارت امور خارجه که روز شنبه منتشر شده آمده است: «جمهوری اسلامی ایران با استقبال از نهایی‌شدن متن توافق صلح توسط دو کشور، این تحول را گامی مهم در تحقق صلح پایدار در منطقه ارزیابی می‌کند. در عین حال نگرانی خود را از پیامدهای منفی هرگونه مداخله خارجی به هر شیوه و شکلی، به‌ویژه در مجاورت مرزهای مشترک، که مخل امنیت و ثبات پایدار منطقه باشد ابراز می‌دارد.»

منتقدان ساخت کریدوری بین سرزمین اصلی آذربایجان و سرزمین جدا افتاده نخجوان از طریق ارمنستان معتقدند که ساخت چنین کریدوری، باعث مسدود شدن دسترسی ایران به ارمنستان خواهد شد. این عده در عین حال تأکید می‌کنند که در حال حاضر مسیر زمینی میان باکو و نخجوان از طریق خاک ایران و از طریق کریدور آرس وجود دارد و دلیلی برای ساخت کریدور جدید وجود ندارد. با این حال بیانیه واشنگتن در واقع خواهان رفع انسداد دسترسی از طریق مسیر ارمنستان شده‌است و اشاره‌ای به ایجاد کریدوری تحت حاکمیت آذربایجان یا کشور دیگر نکرده‌است.

کارشناسان و تحلیل‌گران نظرات کاملاً متفاوتی در مورد تحولات اخیر در منطقه قفقاز جنوبی دارند. گروهی از تحلیل‌گران، امضای اسناد طرح صلح در واشنگتن را امری کم‌اهمیت توصیف می‌کنند و ادعای واگذاری نهر برداری از کریدور را خبرسازی و ادعا توصیف می‌کنند و عده‌ای دیگر نیز این اقدام را یک خطر بزرگ برای ایران می‌دانند که باعث مسدود شدن مرزهای ایران با ارمنستان و نفوذ کشورهای عضو ناتو در مرزهای شمالی کشور می‌شود. محسن پاک‌آیین، سفیر پیشین ایران در جمهوری آذربایجان به «هم‌میهن» می‌گوید: «در این نشست اصلاً مسئله دالان زنگرور مطرح نشد،



محمود شوری معاون موسسه مطالعات ایران و اوراسیا:

چه کسانی که سعی می‌کنند اهمیت این موضوع را کم جلوه دهند و ادعا می‌کنند که این رویداد مهمی نبود، ممکن است در آینده با وضعیت دیگری مواجه شوند و چه آنهایی که مسئله را خیلی بزرگ می‌کنند و آن را یک شکست سخت برای ایران می‌دانند، شواهد کافی در اختیار ندارند که بتوانند این موضوع را اثبات کنند

اینکه مسیری به اسم مسیر ترامپ تعریف شده‌است، یک طرح است که هنوز نهایی نشده و هنوز هیچ سند رسمی برای اجاره ۹۹ ساله یا حضور پیمانکاران آمریکایی در این پروژه امضا نشده‌است.» در متن بیانیه ۷ ماده‌ای که توسط رؤسای جمهوری آمریکا و آذربایجان و نخست‌وزیر ارمنستان امضا شد، هیچ اشاره‌ای به اجاره ۹۹ ساله مناطقی در خاک ارمنستان نشده‌است.

محمود شوری، معاون موسسه مطالعات ایران و اوراسیا (ایراس) معتقد است اسطلاح عناوینی مانند جنگ کریدورها یا خفگی ژئوپلیتیک به تحولات اخیر، مبالغه‌آمیز است. شوری در گفت‌وگو با «هم‌میهن» می‌گوید: «به اعتقاد من خیلی نباید در مورد این واقعه مبالغه کرد. در هر صورت این مسیر جدید در صورت ایجاد، فقط بخشی از نیازهای جمهوری آذربایجان را تأمین می‌کند و ممکن است در آینده به یک قطعه بسیار کوچک در پازل کریدور میانی تبدیل شود. این مسیر سهم تعیین‌کننده‌ای در کریدورها ندارد.» او معتقد است: «اینکه عده‌ای از جنگ کریدورها صحبت می‌کنند، تا حد زیادی مبالغه کردن در مورد مسئله است. در حال حاضر بیش از ۹۰ درصد از کالاها از طریق دریاها جابه‌جا می‌شود و بخشی از کالاها که از طریق کریدورهای زمینی جابه‌جا می‌شود، کسر کوچکی از کل مبادلات کالایی بین‌المللی است که نمی‌توان آن را از طریق دریا جابه‌جا کرد.»

با این حال برخی واکنش‌ها در تهران به این تحولات بسیار تند بود. محسن رضایی، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام در شبکه‌های اجتماعی نوشت: «هرگونه تلاش برای انسداد مسیر تجاری و عبوری ایران به روسیه و اروپا از طریق گذرگاه زنگرور، محکوم به شکست است. این اقدام، خوابی است که به کابوسی برای طراحان آن تبدیل خواهد شد.» علی‌اکبر ولایتی هم در این مورد گفت: «با اجرای این توطئه، امنیت قفقاز جنوبی به خطر می‌افتد و بر همین اساس، ایران تأکید کرده است که چه با روسیه و چه بدون روسیه، در راستای امنیت قفقاز جنوبی حرکت خواهد کرد و البته معتقدیم که روسیه نیز به لحاظ راهبردی با این کریدور مخالف است.» اما واکنش وزارت امور خارجه به این موضوع بسیار محتاطانه‌تر بود. اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه در نشست هفتگی خود با خبرنگاران گفت: «مداخله قدرت‌های فرامنطقه‌ای را به‌هیچ‌عنوان و به هر شکلی برای امنیت و ثبات این منطقه مفید نمی‌دانیم. در این مورد مخالفت خودمان را صریحاً ابراز کردیم و در تماس‌های آینده‌ای هم که با مقام‌های ارمنستان خواهیم داشت، این موضوع را خیلی روشن بیان خواهیم کرد.» بقایی تصریح کرد: «منطقه قفقاز جنوبی برای ایران ارزش بسیار بالایی از لحاظ ژئوپلیتیک، سیاسی، اقتصادی و روابط همسایگی دارد. بنابراین طبیعی است که مادر روندهایی که به هر نحوی، تحولات آنجا را ممکن است شکل یا تحت تأثیر قرار دهد، دخیل هستیم.»

محمود شوری، پژوهشگر مسائل اوراسیا به «هم‌میهن» می‌گوید: «اثرات این توافق بر ایران، مسئله‌ای بلندمدت است که در آینده مشخص خواهد شد. الان نمی‌توان خیلی اظهار نظر دقیقی در مورد این موضوع کرد. چه کسانی که سعی می‌کنند اهمیت این موضوع را کم جلوه دهند و ادعا می‌کنند که این رویداد مهمی نبود، ممکن است در آینده با وضعیت دیگری مواجه شوند و چه آنهایی که مسئله را خیلی بزرگ می‌کنند و آن را یک شکست سخت برای ایران می‌دانند، شواهد کافی در اختیار ندارند که بتوانند این موضوع را اثبات کنند.» شوری با اشاره به برخی اظهار نظرهای تند در مورد این تحولات می‌گوید: «توصیه‌هایی که برخی در مورد واکنش به این رویداد می‌کنند، توصیه‌هایی نیست که بتوان آن را چندان مدیریت کرد و ممکن است عواقب بسیار سنگینی برای کشور در بر داشته‌باشد.»

صلح مفید است

وزارت امور خارجه ایران از نزدیک‌تر شدن ارمنستان و آذربایجان به صلح پایدار، پس از بیش از سه دهه درگیری و منازعه، استقبال کرده‌است. اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه می‌گوید: «در مورد اصل موضوع انعقاد توافق صلح: این موضوع جدیدی نیست. اگر خاطراتن باشد ما در گفت‌وگوهای قبلی، دو طرف را ترغیب کردیم برای اینکه در امضای موافقتنامه صلح تسریع کنند. معتقدیم که این موافقتنامه صلح می‌تواند نقطه عطفی در تثبیت صلح و ثبات در قفقاز جنوبی باشد.» محسن پاک‌آیین، سفیر پیشین جمهوری اسلامی ایران در جمهوری آذربایجان در این خصوص به «هم‌میهن» می‌گوید: «جمهوری اسلامی ایران از برقراری صلح و تثبیت صلح در قفقاز جنوبی حمایت می‌کند. این صلح باعث امنیت خواهد شد و امنیت موجب پیشرفت همکاری‌های اقتصادی میان کشورهای منطقه، توسعه اقتصادی ارمنستان و جمهوری آذربایجان خواهد شد و به طور طبیعی ما هم از مواهب این صلح و رونق بهره‌مند خواهیم شد.» پاک‌آیین معتقد است: «مسیر صلح در قفقاز جنوبی مسیری طولانی است، اما جمهوری اسلامی ایران از صلح استقبال می‌کند و هر گاری در تاونش باشد انجام خواهد داد تا هر چه سریع‌تر پیمان صلح جمهوری آذربایجان و ارمنستان امضا شود.» جمهوری اسلامی ایران، همواره در منطقه قفقاز جنوبی به تلاش‌ها برای صلح و گفت‌وگو میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان کمک کرده‌است و ضمن حمایت از تمامیت ارضی جمهوری آذربایجان و مخالفت با اشغال خاک این کشور توسط ارمنستان، نسبت به تغییر مرزهای بین‌المللی و قطع ارتباط ایران و ارمنستان نیز اظهار نگرانی کرده‌است. اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه در این مورد می‌گوید: «ما مرز کوچکی با ارمنستان داریم اما یکی از امن‌ترین مرزهاست. روابط دوستانه، تاریخی و دیرینه‌ای با ارمنستان داریم. از نزدیک مواضع خود را مطرح می‌کنیم.» این دیپلمات ارشد جمهوری اسلامی ایران ادامه داد: «ما همواره از رفع انسداد و گسترش مسیرهای ارتباطی با کشورهای منطقه به‌عنوان ابزاری برای توسعه اقتصادی استقبال کردیم و همچنین اعلام کرده‌ایم که تحولات نباید مغایر با حقوق بین‌الملل باشد، نباید مرزهای بین‌المللی را نقض کند،